

اله معبودا، عبادت را از شمره می وجد محروم مناو

از بحر حودت قسمت عطا فرما

هو هو اي محظوظ من، ندامی کنم تورا که قلب

حزینم را از غیر خود غافل گردانی

و به خود مشغول نمایی.



ای علیم، اگرچه غافلیم و لکن به کرمت مشبث

و اگرچه جا علیم به بحر علمت متوجه

هو هو ای محظوظ من، کمند عشق تو سرهای
عارفان را بسته و تیر حب تو چکرهای
عاشقان را خسته.



الْهَا مَعُوداً مِلْكًا مَقْصُودًا

بِهِ لِسانٌ تُورا سُكُر نَعِيمٌ غَافلٌ بُودم آگاهٌم فَرِمودي

مَعْرضٌ بُودم بِرَايْبَالْ تَائِيدٌ نَمودي



غَفُورٌ تَازِمَادَ كَذْرَى.

آتَنْجَه بِهِ غَيْرِ رَضَايٍ تَوْعِلَ شَدَه سَرْنَاعَيِّ وَبِهِ اسْمٌ

اَيِّ پُورَدَگارِ مَن، قِسْمٌ مِيْ دَهْمٌ تُورا بِهِ اسْمٌ سَتَّارَتْ كَه

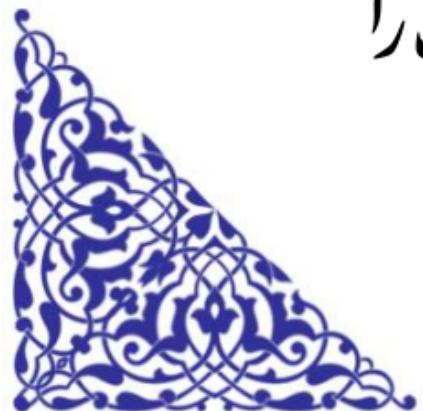


الهَا مَعْبُوداً مَسْجُوداً، مَحْتَاجَانِ بَاتٍ، عَطَائِتَ رَا

مِي طَلَبَنْدٍ وَعُشَاقَ روْيَتٍ، لَقَائِتَ رَا

كَرْمَتَ مَحْرُومَ مَفْرَماً وَازْدِيَامِي رَحْمَتَ مَنْعَكَنْ

پُورَدَگَارا وَجْهُوكَلِ ازْجَوْدَتِ مَوْجُوداً، ازْبَحرَ



اله مَعْصُوداً مَقْصُوداً كَرِيمَارِ حِمَا

جانَ هَازِ تُو وَ اقْدَارَهَا درْ فِضْنَهِي قَدْرَتْ تُو

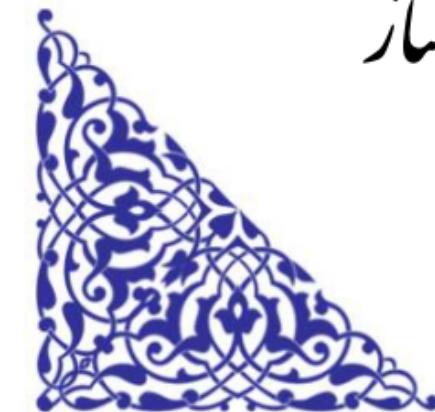
ای دریای کرم، قطره‌ای به شترت توجه نموده و

ای آفتاب بجود، وجود جودت را طلب کرده



الله معبود ام بسجودا، این مشت حاک را از اهتزاز کلمه‌ی

مبارکه منع منا و از حرارت محبت محروم مساز



و عالم قدرت زیر فرمان تو، هرچه کنی عدل صرف
است بر فضل مغض.

الله معبود ام قصودا کریار حما، امر امر توست و حکم آن تو



ای پروردگار

از تو می طلبیم کل را راه نمایی و بدایت فرمایی



بر ایشان بنمایی و بکشایی.

اعظم که جهات عباد را خرق نمایی و باب رحمت را

یا محبوبی و مقصودی و غایی آمایی، سوال می کنم تورا به اسم



الْهَا مَعْبُودًا ازْ تَوْاْم وَبِهِ تَوَآْمَه اَمْ قَلْبِم رَابِه نُور

مَرْفَقْت نَسْر فَرَما

الْهَا كَرِيْمَه يَار حِجَما، غُنَّا آَنْ تُو، فَقَرَابَه بَابْ تُو، اَكَر عَطَا

فَرْمَيِي سَكِيرِيم وَأَكَر مَحْرُومْ نَالِي حَامِد وَصَارِيم



ای قدر مصلیین را ز کأس یقین قسمت عطا فرما

واز انوار سیر اقان محروم منا

اله معبد امجداد، عبادت را ز دریای شناسایی

محروم منا و از انوار وجه ظهور منع مفرما



الهی الهی، دست قدرت از حب قوت بارو

این نفوس در گل مانده را نجات ده

امی غفار، از ما به جودت در گذر وای ستار به
کرمت ستر نمای امی فضال فضلت را باز مدار



ای کریم

این عبد را به خود و اگذار تویی قادر و توانا



الهـا كـرـيـمـا حـمـا

بـ ذـكـرـتـ زـنـدـهـ اـمـ وـ بـ اـمـيدـ لـقـائـتـ مـوـجـودـ وـ مـانـدـهـ



پروردگارا مهر بانی پادشاه دادرسا

حمد و شناو سکر و بهاتور اسراسرت

از بساط قدس و قرب منع مفرما

الهای رور دگارا، محبوب ام مقصود اعماد خود را محروم من او

